

وزیر ارشاد درباره واردات کاغذ اولتیماتوم داد

کوچه ۲۲ میلیون یوروی

مشاور معاون وزیر ارشاد: اسم این شرکت‌ها را هم نشنیده بودیم



آدرسی که به معمای ما رنگ‌بوی تازه‌ای می‌دهد.

کوچه سعادت

در آدرس اولی‌ی که از این شرکت‌ها وجود دارد، نه ردیابی از آنها وجود دارد نه همسایه‌ها خبری از وجود چنین شرکتی در این مکان دارند. آدرس دوم، اما از همان روی کاغذ وسوسه‌کننده است؛ واحدی در نزدیکی بلوار میرداماد که البته حالا خالی از سکنه است. نتیجه می‌رسد. پیرمردی که صاحب ساختمان بالاخره به ابتدا با نگرانی تلاش می‌کند خودش را از همه‌چیز بی‌اطلاع نشان دهد. او تاکید می‌کند هیچ اطلاعی از شغل و پیشه مستأجران سابقش ندارد و تنها هنگامی که مطمئن می‌شود به او به چشم متهم نگاه نمی‌کنیم، راضی می‌شود اطلاعات بیشتری در اختیارمان بگذارد. او می‌گوید: «مستأجرانم دو مرد جوان و عادی بودند. چیز عجیبی هم در آنها ندیدم. برای شش ماه اینجا را اجاره کردند». از او می‌پرسیم در این مدت رفتار خاصی از آنها سر زده بود؟ پاسخ صاحب‌خانه جالب است. او می‌گوید: «سند اینجا مسکونی است. یک بار به دلیل استفاده تجاری آمدند در شرکتشان را پلمب کردند؛ ولی آنها بدون نگرانی آمدند پلمب را باز کردند و رفتند داخل. به‌جز این رفتار عجیبی از آنها ندیدم. اصلا مدت خیلی کوتاهی اینجا بودند. قراردادشان شش‌ماهه بود. اما سه، چهار ماه بیشتر نماندند و جمع کردند و رفتند». در این بین پیرمرد یک جمله طلایی می‌گوید که اگرچه خودش از اهمیتش آگاه نیست، اما ما را شگفت‌زده می‌کند. او

رئیس هیئتمدیره است و حمیدرضا جان‌محمدی، نایب مدیرعامل و نایب‌رئیس هیئتمدیره. هیچ‌کدام از این دو شرکت نه‌تنها عضو انجمن واردکنندگان کاغذ و مقوای کشور نیستند، بلکه اهالی بازار هم نشانی از آنها ندارند. با یکی از فروشندگان عمده بازار که صحبت می‌کنیم، در جواب سؤال ما به‌سرعت می‌گوید: «دیگران هم همین سؤال را پرسیده‌اند. نه، اسم این شرکت‌ها را نشنیده بودم». وقتی نام اعضای هیئتمدیره شرکت‌ها را نیز برایش می‌خوانیم، باز هم می‌گوید تابه‌حال این اسامی به گوشش نخورده و تاکید می‌کند ۳۰ هزار تن کاغذ این‌قدر زیاد است که امکان ندارد وارد کشور شده باشد و فروشندگان از آن بی‌خبر باشند. نکته جالب درباره شرکت‌ها تا تجارت پرلیت، این است که این شرکت تا آذر سال ۹۳ نام دیگری داشته و در این زمان نامش از شرکت عمران راه پرلیت به هانا تجارت پرلیت تغییر کرده است. پرلیت نوعی سنگ آتشفشانی است که در صنعت و کشاورزی استفاده می‌شود و این تغییر نام، اگرچه در نوع خود جالب است، اما همه ماجرا نیست. حتی در آخرین آگهی تغییرات این شرکت در بهمن ۹۵، هنگامی که حمیدرضا جان‌محمدی و فرهاد بی‌طمع دو سمت مدیرعامل و رئیس هیئتمدیره را بین خود تقسیم کرده و حق امضای همه اسناد و اوراق بهادار شرکت را با امضای هریک به تنهایی معتبر کرده‌اند، نیز کدملی این دو درج نشده و این موضوع یعنی درج‌نشدن کدملی در آگهی تغییرات یک شرکت تجاری، پدیده‌ای نادر است. از این‌ دو شرکت دو آدرس در آگهی‌ها وجود دارد؛ دو

محمد مساعد: اولی ۱۴ میلیون یورو ارز گرفته است و دومی ۸۰۸ میلیون یورو. این ۲۲۰۸ میلیون یورو، دریافتی دو شرکت واردکننده کاغذ، دو برابر مجموع ارز دریافتی ۲۰ شرکت دیگر واردکننده کاغذ است و البته یک تفاوت اساسی با آنها دارد؛ هیچ‌کس در بازار کاغذ کسانی را که دو برابر همه بازار، ارز برای واردات کاغذ روزنامه گرفته‌اند، نمی‌شناسد. ۲۲ میلیون یورو ارز دولتی برای واردات بیش از ۳۰ هزار تن کاغذ؛ کاغذی که خبری از آن نیست، مطبوعاتی که دنبال کاغذ لاله می‌زند و واردکننده‌ای که هرچه بیشتر به دنبالش گشتیم، بیشتر تعجب کردیم. نه‌تنها برخی از این شرکت‌ها هیچ ردیابی در بازار کاغذ ندارند، بلکه بر اساس برخی شنیده‌ها، از تعریفه پایین واردات کاغذ به‌عنوان کالای حیاتی، سوءاستفاده‌هایی نیز شده است و حتی شنیده می‌شود برخی به اسم کاغذ تحریر و روزنامه، اجناسی مانند کاغذدیواری وارد کشور کرده‌اند؛ ادعایی که جز با ورود جدی دستگاه‌های نظارتی به بحث واردات کاغذ، نمی‌توان آن را صحت‌سنجی کرد. هنگامی که چند شخص کمنام موفق می‌شوند ده‌ها برابر شناخته‌شده‌ترین شرکت‌های واردکننده کاغذ، ارز دولتی بگیرند، این سؤال مهم پیش می‌آید که آیا به‌راستی همه آنچه در بحث واردات کاغذ اتفاق افتاده، نتیجه بی‌توجهی یا سهل‌انگاری برخی بوده و همای سعادت کاملا اتفاقی بر دوش مستأجران چندماهه یکی از خاص‌ترین کوچه‌های تهران نشسته یا ماجرا چیز دیگری است.

۲ شرکت که انگار یکی هستند

هانا تجارت پرلیت و خدمات پشتیبانی صنعت ساحل پرشیا، دو شرکتی هستند که بیشترین ارز را برای واردات کاغذ روزنامه دریافت کرده‌اند. مجموع دریافتی آنها ۶۰ درصد کل ارز تخصیص‌داده‌شده به واردکنندگان کاغذ است و با یک محاسبه سرانگشتی می‌توان نشان داد اگر این ارز به کاغذ روزنامه تبدیل می‌شد، نه‌تنها بحران فعلی کاغذ روزنامه در کشور حل می‌شد، بلکه حداقل مصرف سه ماه مطبوعات کشور از این طریق تأمین می‌شد. این دو شرکت، اما هرچه هستند در دنیای واقعی چیزی جز دو نام نیستند.

در اولی‌ی فردی به نام حمیدرضا جان‌محمدی، رئیس و عضو هیئتمدیره است و فردی به نام فرهاد بی‌طمع‌خمیران نایب‌رئیس و در دومی فرهاد بی‌طمع

گذر

پرداخت ارز برای واردات خودرو ممنوع شد

● مدیر کل سیاست‌ها و مقررات ارزی بانک مرکزی گفت: خودرو در گروه چهارم کالاها و ورود آن ممنوع است و ارزی به آن تخصیص داده نمی‌شود. به گزارش تسنیم، مهدی کسرابی‌پور افزود: از ۲۲ فروردین امسال که سیاست‌های ارزی ابلاغ شد، برای واردات خودرو به‌وسیله بانک‌ها ۱۹ درصد ارز اختصاصی یافت که ۸۱ درصد آن مربوط به واردات آمبولانس بود. کسرابی‌پور گفت: ۸۱ درصد ارز واردات خودرو را نیز سامانه نیما تخصیص داده است. وی با بیان اینکه درباره این واردات تاکنون هیچ تخلفی اتفاق نیفتاده است، افزود: اگر خودرو تا مهلت قانونی وارد نشود یا خارج از مقررات و بیشتر از قیمت تمام‌شده با ارز دولتی فروخته شود، تخلف است. کسرابی‌پور گفت: زمان واردات خودرو شش ماه در نظر گرفته شده است. وی افزود: بانک‌ها سرنوشت ارز‌های تأمین‌شده برای واردات کالاها را پیگیری می‌کنند.

از سوی سازمان برنامه و بودجه

تخصیص اعتبار پاداش پایان خدمت بازنشستگان ابلاغ شد

● ایرنا، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور با صدور بخش‌نامه‌ای، اعتبار مربوط به پاداش پایان خدمت بازنشستگان با اولویت وزارت آموزش‌وپرورش و دانشگاه‌ها به مبلغ ۳۶هزارو ۸۸۹ میلیون ریال را ابلاغ کرد. به گزارش ایرنا به نقل از سازمان برنامه و بودجه کشور، براساس این بخش‌نامه، تخصیص اعتبار مذکور به میزان ۱۰۰ درصد بوده و در ردیف اعتبارات هزینه‌ای ۳۶هزارو ۸۸۹ میلیون ریال تعیین شده است. براساس اعلام سازمان برنامه و بودجه، این اعتبار در سه مرحله و به‌صورت مساوی در ماه‌های تیر، مرداد و شهریور پرداخت می‌شود. محمداقار نوبخت، معاون رئیس‌جمهوری، این بخش‌نامه را به استناد ماده ۱۹ قانون برنامه و بودجه جزء ۲ بند ط و بند د ماده ۲۸ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳ و حکم ذیل جدول شماره ۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور، اعتبارات ذی‌ربط به آن دستگاه ابلاغ کرد.

گزارش به مردم

۲۱ آبان ۱۳۹۶ ساعت ۲۱:۴۸

زلزله بزرگ دیگری کشورمان را لرزاند. این بار دیار مردان و زنان غیور کرمانشاه مرکز این حادثه بود. خانه ها آوار شد و خانواده های زیادی به ماتم نشستند اما دستان پرتوان مردم نوع دوست ایران اسلامی از سراسر کشور برای یاری زلزله زدگان دراز شد. در این میان، جمعیت هلال احمر واسطه ای قابل اعتماد برای کمک به مردم حادثه دیده قرار گرفت. در اینجا گزارش آماری از میزان و نحوه هزینه کرد کمک‌های مردمی و همچنین میزان هزینه‌های مستقیم هلال احمر از منابع داخلی خود در زلزله کرمانشاه را مشاهده می‌کنید.



جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران

www.rcs.ir

هزینه از محل کمک‌های مردمی

۹۶/۸/۲۲ لغایت ۹۷/۲/۳۱

منابع به ریال



جمع کل کمک‌های جمع‌آوری شده

۶۷۳/۴۳۱/۲۵۵/۵۳۱



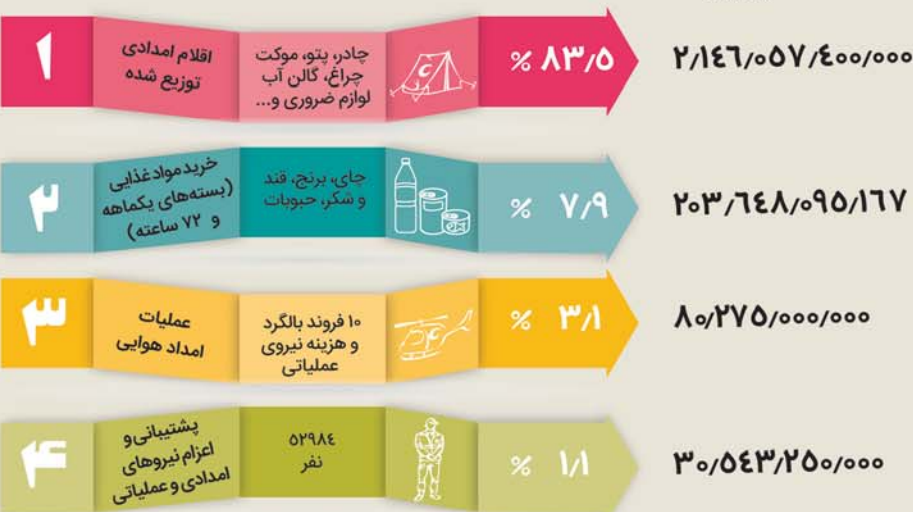
جمع کل هزینه‌های انجام شده

۶۸۳/۷۱۸/۰۰۰/۰۰۰

هزینه از محل منابع جمعیت هلال احمر

۹۶/۸/۲۲ لغایت ۹۷/۲/۳۱

منابع به ریال



جمع کل هزینه‌های جمعیت هلال احمر

۲/۵۶۷/۳۸۶/۷۳۸/۰۱۲

خبر

ورود موبایل با ارز دولتی فروش با دلار ۸ هزار تومانی

● گوشی همراه در نتیجه دونرخی‌شدن ارز، شبیه کالای ممنوعه شده که متخلفان برای فرار از بازرس‌ها، فقط حضوری و به آشنا می‌فروشند و حتی کالای شرکت مشمول ارز دولتی را با نام شرکت‌های دیگر با دلار هشت هزار تومان دست‌مشتی می‌دهند. به گزارش فارس، آشفته‌بازار این روزهای بازار موبایل یادآور وضعیت چند وقت پیش دلارفروش‌های میدان فردوسی است؛ همان ایامی که نرخ رسمی دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومان تعیین و ارز با هر نرخ دیگری قاچاق اعلام شد. از نظر دولت نرخ رسمی موبایل معادل ارزش دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی به‌علاوه هزینه‌های واردات است، اما برای فروشنده‌های بازار موبایل ارز هشت هزار تومان است. دولت پس از انتشار لیست دریافت‌کنندگان ارز دولتی برای واردات کالاها، انتظار دارد واردکنندگانی که ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومان گرفته‌اند، براساس همین ارز کالا را قیمت‌گذاری کنند و به فروش برساند و اعلام کرده که گران‌فروشان و محتکران تا پنج برابر جریمه می‌شوند؛ اما آنها که ارز دولتی را گرفته‌اند، به‌راحتی راضی به حراج کالای خود نیستند و از هر شگردی برای دست‌به‌سرکردن سازمان حمایت و تعزیرات استفاده می‌کنند. بررسی فارس از وضعیت بازار، نشان می‌دهد فروش گوشی حضوری شده است. در سمت شرکت‌های پخش کالا و عمده‌فروشان‌ی که با تأمین‌کنندگان کالا ارتباط دارند با گوشی مانند یک کالای ممنوعه برخورد می‌شود و فضای خریدوفروش کاملا توأم با احتیاط و نگرانی است. فروشنده‌های بزرگ بازار که با تأمین‌کننده‌های گوشی در ارتباط هستند، هر روز در اعلام لیست جدید قیمت‌ها به همکاران خود اعلام می‌کنند که قیمت‌ها متغیرند و برای اطلاع از قیمت آخر تماس بگیرند، اما بیابید: آنها می‌ترسند بازرسان پای تلفن باشند. فروش نیز فقط به همکار آشنا انجام می‌شود. همچنین در مراجعه حضوری نیز ابتدا به خریداران اعلام می‌کنند که جنس نداریم و پس از اطمینان از مشتری، کالا را با قیمت دلار هشت هزار تومان رو می‌کنند. یک فروشنده خرد گوشی که اخیرا برای مصرف‌کننده چند گوشی خریده به خبرنگار فارس، گفت: آنها وجه گوشی را در دو بخش معادل قیمت‌گذاری با دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومان و مابه‌التفاوت دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومان و هشت هزار تومان دریافت و جانب احتیاط را رعایت می‌کنند تا گرفتار بازرس نشوند.